

عسلویه: «اردوگاه کار اجباری»

عسلویه در کدام نقطه از ایران واقع شده است که این روزها اینقدر از اهمیت اقتصادی آن صحبت می شود. این حجم از ثروت و به زبان دیگر کار مجسم به وسیله چه نیروهایی خلق شده است؟ آفریدگان این قطب صنعتی خود چگونه گذران زندگی می کنند؟ کارگرانی که با تولید این همه سرمایه موجب ثروتمند شدن شرکت های مقاطعه کار، شرکت ملی گاز و شرکت های انگلیسی، کره ای، ایتالیایی و ... شده اند خود در چه وضعیتی به سر می برند؟ کارگران دیگر کشورها هم که نیروی کارشان به اشکالی چون ساخت ابزار و وسایل صنعتی تابلو، تاور و تبدیل شده و یا کارگران ایرانی که زیر خط فقر زندگی می کنند، کارگرانی که با توقف کارهای پروژه ای اکنون سرگردان برای کار هستند، کارگرانی که از بیمه بیکاری بی بهره هستند و ...

بخش های صنعتی عسلویه که به نام سایت و فاز از آنها یاد می شود قرار بود تا ۲۵ فاز ادامه یابد. در حال حاضر فازهای ۹ و ۱۰ آن، مرحله پیشا راه اندازی را از سر گذرانده اند و قرار است در روزهای آینده راه اندازی شوند و در بعضی مناطق در حال تسطیح زمین و گردآوری برای فونداسیون هستند. هر سایت شامل چندین فاز می شود. این منطقه صنعتی شامل مناطقی چون جم، کنگان و ... می باشد که در فاصله حداکثر ۱۰ تا ۲۰ کیلومتری از ساحل خلیج فارس قرار دارند و در دامنه رشته کوهی بنا شده اند.

کلید کارهای تسطیح زمین، ساخت فونداسیون و جدول بندی بدون حضور نیروهای کره ای و کلاً توسط کارگران ساده انجام می گیرد. اگر در بین آنها متخصص هم وجود داشته باشد، دستمزد کارگر ساده را می گیرد. این بخش از کار از چشم بیننده ای که این تاسیسات را از طریق تلویزیون می بیند پنهان می ماند، همین جا لازم است یادآوری کنیم که کارگران پروژه ای در جنوب محدود به عسلویه نمی شوند. سرتاسر ساحل خلیج فارس و همچنین بعضی جزایر خلیج فارس چون لاوان و سیری را در بر می گیرد. در حال حاضر کارها در عسلویه عمدتاً به تاسیسات پتروشیمی و تعمیرات محدود می شود.

عسلویه منطقه ای است که از هیچ قانونی تبعیت نمیکند. قانون هشت ساعت کار هم که به ضرب مبارزات طبقه کارگر به دولتهای سرمایه داری تحمیل شده است، در اینجا محلی از اعراب ندارد. کارگران ساعت ۴/۵ و حداکثر ۵ صبح از خواب بیدار می شوند، معمولاً ساعت ۶ صبح کار شروع میشود و تا ۷/۵ شب با ۱/۵ ساعت اضافی کاری ادامه می یابد. اگر شرکت ها لازم بدانند تا ساعت ۸/۵ شب اضافه کاری ادامه پیدا می کند، در مواردی هم شب کاری وجود دارد. ده ساعت کار در روز به ازای ۲۴ روز کار در ماه، این مقررات در اکثر شرکتهای اعمال میشود. صورت کارکرد در ماه به کسی داده نمی شود، به ندرت لیست با ساعات اضافه کاری کلید کارگران قسمت به رویت کارگران میرسد. دستمزد از ۲۱۰ هزار تومان (در سال جاری از خرداد) تا ۲۴۰ هزار تومان به کارگران ساختمانی (کارهای سیویل، محوطه سازی، فونداسیون بعضی ساختمانهای اداری)، کارگرانی که در بخش ساخت مخازن (که در هر سایتی بیش از ده تایی از این مخازن ساخته می شود)، کارگران کمکی (کمک جوشکار، ریگرها - کمکی های راننده جرثقیل - کارگران تأمین نگهداری اسکافل بندها) همه همین دستمزد را دریافت میکنند. جوشکاران لوله که تعداد آنها بسیار کم است یک میلیون تا یک میلیون و صد هزار تومان دستمزد میگیرند. کارگران نصب عموماً دستمزدشان ۳۵۰ تا ۴۰۰، فورمن ها که در واحد کاری یکی و حداکثر دو نفر هستند ۶۰۰ هزار تومان است. فورمن واحدهای برق تا ۷۰۰ هزار تومان هم میرسد. اما دستمزدها یک راز است مبلغ دستمزدها در لیست نمی آید، معمولاً کارگران از حقوق و مزایای خود با هم صحبت میکنند. اما عمده نیروی کاری در عسلویه همین کارگرانی هستند که دستمزد ماهانه آنها بین ۲۴۰ تا ۲۱۰ هزار تومان در ماه است.

مدیر کارگاه، دستیاران مدیریت کارگاه که شامل مدیرهای واحدهای مختلف و سرکارگرها که مسئول بهره کشی نیروی کار از کارگران می باشند، حقوقهای کلانی می گیرند که معمولاً ما کارگران کمتر از آن اطلاع داریم. آنچه از گوشه و کنار خبرش میرسد رئیس کارگاه ۱۰-۷ میلیون، معاونین امور اداری - فنی هر کدام ۵ میلیون حقوق ماهانه دارند، سرکارگرها از هفتصد هزار تومان گرفته تا ۲ میلیون در ماه می گیرند.

در بین مدیران واحدها به ندرت نیروی فنی به چشم میخورد. حتی مدیر کارگاه بندرت کارشناس فنی است. نیروهایی هستند که سابقه کاری زیادی در شرکت دارند و از این مهمتر مورد اعتماد مدیر عامل شرکتها هستند. خودم شاهد بودم کارشناس مکانیک از یکی از دانشگاههای معروف کشور حقوقش ۶۰۰ هزار تومان بود. به دلایلی گذاشت و رفت. کار او را یک دیپلمه که تنها کمی به کامپیوتر آشنایی داشت انجام می داد. دلایل این موضوع و بطور کلی اهمیت ندادن مهندسين فنی را در پایین باز میکنم. سرکارگرها که معمولاً به آنها سوپروایزر گفته می شود، لازم نیست کار بلد باشند، اینها تخصصشان در این است که چگونه از نیروهای کار به بهترین وجه کار بکشند و چگونه برنامه چینی کنند که کارگر ناراضی را اخراج کنند. سیستم چنان با برنامه عمل میکند که این گروه (سرکارگرها) معمولاً در ضمن کار در سایت به این رموز آشنا میشوند. سوپروایزهای تازه وارد (همان سرکارگرها) هم با چند روز پرسه زدن در سایت، و یادگیری اسم واحدها به انگلیسی به درجه سوپروایزی نایل خواهند شد. جوهر اصلی یک سرکارگر همان توانایی در سلطه بر نیروی کار است. که اگر در ضمن کار این توانایی را از خود بروز دهد، درجات ترقی را به مرور طی خواهد کرد.

مدیران واحدها عملاً خودشان اقدام به اخراج کارگران نمیکنند. بلکه از طریق همین سرکارگرها است که به این کار اقدام میکنند. بارها اتفاق افتاده است که کارگران خدماتی که عملاً بلوچ هستند و بصورت گروهی می آیند مواقعی خواستار دستمزد بالاتر شوند، همین سرکارگرها با استفاده از تجربیاتی که مدیران واحدها دیکته می کنند چنان بدون سروصدا آنها را اخراج کرده اند که بقیه کارگرانی که در صد متری آنها کار می کردند، یکی دو روز بعد متوجه شدند. در واقع این تیپ کارگرانی که با سمت «سوپروایزر» کار میکنند در قبال همین کارها حقوقهای آنچنانی میگیرند. در صورتی که هیچگونه تخصص کاری هم ندارند. اما با این وجود کم نیستند کارگران فنی که از فرط نبود کار به این منطقه آمده اند. اما مجبورند با دستمزدهای پایین تن به کار بدهند. رابطه (پارتنری) برای گرفتن پست و حقوق حرف اول را میزند. بزازی که کارش در بازار نگرفته است معاون فنی کارگاه میشود. ماهانه بیش از ۵ میلیون حقوق میگیرد. این تیپ افراد بسیارند.

اما چرا در عسلویه کارگر فنی به جز لوله کش - جوشکار نصاب... مورد نیاز نیست. نمیخواهم بگویم کارگران فنی نیستند، بسیاری از کارگرانی که با دستمزد ۲۴۰ تا ۲۱۰ هزار تومان کار میکنند فنی هستند حالا ممکن است برقکار یا جوشکار ورق (پلیت) باشند ولی به عنوان کمکی به کار گرفته میشوند. دستگاههای حساس کمپرسورها گرفته تا شیرهای (ولو) بزرگ هم آکبند از خارج وارد میشوند و بدون آنکه کاری روی آنها انجام گیرد نصب میشوند. این دستگاهها ساخت کشورهای مختلف میباشند از کشورهای اسکانندیناوی گرفته تا ایتالیا در جنوب اروپا ژاپن و کره و... به دیگر سخن جهان سرمایه داری به نوعی از طریق صدور کالاهای صنعتی در عسلویه حضور دارند. اما کارگران فنی کره ای در نصب و راه اندازی حضور دارند و کارهای فنی زیر نظر آنها انجام می گیرد. کارگرانی که سالها در عسلویه کار میکنند از مکانیسم و کار این دستگاه بی اطلاع هستند، در صورتی که بارها در نصب این دستگاهها شرکت داشته اند، می ماند سازه هایی که این دستگاه عظیم جثه روی آنها نصب میشوند. این سازه ها ساخت چند شرکت ایرانی است به جز بعضی سازه ها که به خاطر حساسیت بالا نیاز است از کشورهای خارجی وارد شوند و عمداً از کره وارد میشود و در اینجا میتوان آذراب اراک و از شرکت اصفهانی نام برد که به خاطر اشکال در محاسبات و در نتیجه سوراخ کاربهای اشتباه که مجدداً به وسیله همین کارگرهایی که دستمزد آنها بیش از ۳۰۰ هزار تومان نیست انجام می گیرد. ماهها برای نصب این سازه ها (استراکچرها) نیروی صدها کارگر صرف میشود تا حفاظ ها و نرده های سازه نصب شود. هر چقدر کار طولانی شود نه تنها به ضرر شرکت نمیشود بلکه به نفع آن میباشد. چون این شرکتهای (من پاور به ازای دستمزدی که به کارگران میدهند چند برابر آن را به جیب میزنند) بقیه دستگاه همانطوری که گفته شد واردتی هستند. در موقع راه اندازی سایت عملیات تقطیر و شکستن مولکولهای گاز روی آنها انجام می گیرد. لوله کشی (پای پینگ) از جمله

کارهایی است که حجم عظیمی از نیروی کار را به خود اختصاص می دهد. قابل ذکر است که این شرکت‌های پیمانی (من پاور) در قبال هر کدام از این نیروها از ۴ میلیون تا ۱۰ میلیون (در ماه) از شرکت ملی نفت پول میگیرند.

شرکت‌هایی که کار نصب و دیگر کارهای آماده سازی سایتها را برای بهره کشی از نیروی کار ارزان و در نتیجه به جیب زدن سودهای کلان انجام میدهند، همه شرکت‌های من پاور هستند. در سالهای اولیه شروع کار (سالهای ۷۵) کارگران در استخدام شرکت‌های کره‌ای بودند به این جهت دستمزد کارگران نسبت به حال خیلی بیشتر بود ولی با باز شدن پای این شرکتها به عسلویه تأمین نیروی کاری کلاً به عهده این شرکت هاست. این شرکت‌های پیمانی با شرکت IOFC شرکتی است که به وسیله شرکت ملی نفت و گاز ایجاد شده است و کلیه کارهای نظارتی تحت نظر و قراردادهای تأمین نیرو به وسیله این شرکت انجام می گیرد و همچنین بر این شرکت‌های پیمانی (من پاور) نظارت دارد. این شرکتها کارگران را با دستمزدهایی که در بالا به آن اشاره شد به استخدام (موقت روزمزد) درمی آورند. اما خودشان این نیروی کار ارزان را با قیمت این کالا در سطح جهان به فروش می‌رسانند. به قول اکثر کارگران به ریال میخرند و به دلار میفروشند. اینجا کارگران به طور متوسط روزی ۱۴ ساعت کار میکنند و این شرکتها از قبل هر کارگری با توجه به اضافه کاریها بالا چند برابر دستمزدی که میدهند پول به جیب میزنند و هر کارگری که اعتراض کند بدون چون و چرا اخراج میشود.

چرا کارگران با وجود شرایط بد کاری به عسلویه میروند!

همانطوری که در بالا به آن اشاره شد، در دهه هشتاد تا حدودی قیمت نیروی کار در عسلویه نسبت به مناطق دیگر ایران بالاتر بود و کارگرانی که از همه جا مانده بودند، کارگران اخراجی و کارگران بیکار اجبار زندگی آنان را وادار میکرد به منطقه روی آورند و با تحمل مشقات کار و دوری از خانواده به این دل خوش بودند که حداقل سطح حقوق بالاتر است ولی در حال حاضر عسلویه اردوگاه کار اجباری است که کارگران برای ادامه حیات به دلخواه این شرایط اردوگاهی را انتخاب میکنند اگر دولتهای سرمایه‌داری (چه دولتی و چه خصوصی) زندانیان و بطور کلی مخالفین خود را با قوه قهر به اردوگاههای کار اجباری روانه میکردند. امروزه سیستم سرمایه جهانی شرایطی را به کارگران تحمیل نموده است، که کارگران بلغاری، چک و... مجبور می شوند در استخدام شرکت پیمانی روانه آلمان و فرانسه شوند و همانند کارگران ایرانی که هیچگونه امنیت شغلی ندارند به سخت ترین کارها در بدترین شرایط نیروی کارشان را به ثمن نحس بفروشند. اگر از کارگران عسلویه بپرسی چرا با این شرایط ماهی ۲۴۰ هزار تومان اینجا کار میکنی میگوید کجا کار هست از درد ناچاری به اینجا آمده‌ام. با این دستمزد صرف نمی کند. ولی کلی هزینه‌ام شد تا اینجا آدم یکی دو روز این در و آن در زدم بلکه کار بهتری پیدا کنم اما نشد. یکی دو ماه اینجا کار میکنم تا ببینم چه میشود. کارگرانی که یکی دو ماه در عسلویه کار میکنند تعدادشان کم نیست و این موضوع به نفع صاحبان شرکتهاست چون هیچگاه کارگری که به این صورت کار میکند بیمه نمی شود. پول بیمه کارگران به جیب شرکت‌های من پاور میرود. شرکت رامشیر یکی از شرکت‌هایی است که سالها در عسلویه کار پیمان کاری میکند. سهامدار اصلی این شرکت در امریکا زندگی میکند. ماههاست حقوق کارگرانش را پرداخت نکرده است و بسیاری از کارگران این شرکت بدون دریافت حقوق معوقه خود برای کار به شرکت‌های دیگر چون در ریز IGC ... رفته‌اند در سال ۸۶ و سه ماهه (بهار) سال جاری کارگرانی که در این شرکت شاغل هستند و حقوقهای خود را دریافت نکرده‌اند بارها دست به اعتصاب زدند. خبرها حاکی از آن است شرکت رامشیر بارها وام‌های چند صد میلیاردی (به بهانی پرداخت دستمزد کارگران) گرفته است. بخشی از کارهایی که به این شرکت محول شده بود نیمه تمام رها کرد در حالی که مطالبات خود را از شرکت ملی نفت گرفته بخشی از دستمزد کارگران را پرداخت نکرده است.

کارگری در همین شرکت که ماهها حقوق‌اش به تعویق افتاده بود. هر کاری کرده بود موفق نشده بود حقوق معوقه خود را بگیرد در بهمن ماه سال ۸۶ خودش را به بالای چرثقیل گردان میرساند و اعلام میکند اگر حقوقهای عقب افتاده من

پرداخت نشود خودم را از بالا به پایین میاندام. هر کاری میکنند نمیتوانند او را راضی به پایین آمدن کنند این کارگر در نهایت خود را آویزان میکند. در این موقع مدیر کارگاه شرکت رامشیر راضی به پرداخت دستمزدهای عقب افتاده او میشوند.

شرایط آب و هوایی، وضع غذا، مسکن و بهداشت

شرجی و آب و هوای گرم عسلویه زبانزد عام و خاص است و کار در فضای باز زیر تابش آفتاب. آنچنان است که اگر فشار زندگی و نیاز مبرم برای زنده ماندن نبود کسی در عسلویه نمی ماند. درجه حرارت نامساعد بودن آب و هوا کار بایستی تعطیل شود. اما اینجا قوانین کارگری که سالها برایش مبارزه شده اجرا نمیشود. به معنای واقعی کلمه «کار اجباری» هر کاری را که کارفرما دستور داد باید بدون کلامی بایستی انجام گیرد در غیراینصورت برای اخراجت برنامه ریزی میشود. علاوه بر نامساعد بودن شرایط آب و هوایی که بر کسی پوشیده نیست، گازهای سمی شناور در هوا آنچنان شدید است که مشکل تنفسی ایجاد میکند. بدین جهت کار بدون ماسکهای دهنی مشکل و به نوعی میتوان گفت غیرممکن است چون به مرور زمان اثر خود را بر روی ارگانسیم بدن و به ویژه دستگاه خواهد گذاشت.

اما کارفرما از دادن ماسک خودداری میکند. مراجعه برای گرفتن ماسک پس از بارها مراجعه از ماسکهای یکبار مصرف با کیفیت پایین داده میشود که واقعاً قابل استفاده نیستند. یک نوع ماسک معروف به «ماسک نمدی» که یکبار مصرف هست که برای نیروی دفتری آورده میشود. کارگران بارها برای گرفتن ماسک با کیفیت بالا مراجعه میکنند اما به ندرت نتیجه بخش است.

جالب است از سوی دیگر نیروهای ایمنی به کارگرانی که از ماسک استفاده نکنند کارتشان را میگیرند. در حالی که خود این نیروی ایمنی از شرکتهای پیمانی دستمزد میگیرند و فاصله دفتر نیروهای ایمنی تا مدیریت چند قدم است به جای مراجعه به مدیریت خواستار وسایل ایمنی با کیفیت شدند، کارگران را مورد مواخذه قرار میدهند و یا جریمه میکنند. معمولاً وسایلی چون دستکش، ماسک و لباس کار از وسایلی است که بایستی آزادانه در اختیار کارگر گذاشته شود. در اکثر شرکتهای پیمانی لباس کار داده نمیشود. تنها در بعضی موارد بسیار استثنایی در صورتی که هزینه لباس کار از شرکت ملی نفت و گاز گرفته میشود. دستکشهای (کارگری) مصرفی در این شرکتهای آن چنان بی کیفیت است که کارگر در موقع کار نمیتواند آن را مورد استفاده قرار دهد. این است که از خیرش میگذرد.

وضع غذا در شرکتهای پیمانی (من پاور) بسیار نامطلوب است طبق شنیدههای موثق در اوایل همین سال جاری شرکتی که غذای کارگران را تأمین میکرد در رامشیر (۳۲۰۰ تومان) در ازای سه وعده غذا پرداخت میشده است. توخود حدیث مفصل بخوان از این مجمل با این قیمت طبیعی است که غذا با کیفیت نباشد. لیست رژیم غذایی ماهها و حتی سالها تغییر نمیکند. اگر کارگری بخواهد غذای با کیفیت بخورد میبایست هر چه کار میکند برای غذا هزینه کند چرا که قیمتها بالا است هزینه رفت و آمد به شهر هم سرسام آور است. از این گذشته وقت هم نداری چون ساعت ۸-۸/۳۰ وارد کمپ (خوابگاه) میشویم وقتی نمی ماند برای شهر رفتن و یا تهیه غذا. بعضی سایتها که زیر نظر مستقیم OIEC (شرکت ناظر) و یا برای نیروهای کرهای کار میکنند وضع غذایی بهتری دارند.

در عسلویه بیمارستان مجهزی وجود ندارد، در سایتها و کمپ هم معمولاً یک بهیاری هست از آمبولانس و دیگر تجهیزات خبری نیست، به مراجعین قرص سرماخوردگی، اگر خوب نشدی آنتی بیوتیک میدهند. این در حالی است در این سایت ماهی دو سه نفر حین کار خود را از دست میدهند؛ اما هیچگونه اقدامی برای ایجاد بهداری انجام نمی شود. بارها کارگران به خاطر وجود گازهای سمی بیهوش شده اند. در این مواقع اعلام می کنند این کارگر مرض صرع داشته است.

اما مبارزات کارگری

مبارزات کارگری در عسلویه هم یک جریان برخاسته از رابطه کار و سرمایه همچون دیگر حلقه‌های جنبش کارگر وجود داشته و دارد. جنبش کارگر برخاسته از شرایط عینی طبقه کارگر است. جنبش کارگری از روزی که طبقه کارگر با استقرار شیوه تولید سرمایه‌داری همزمان با تولد شیوه تولید ارزش اضافی حضور پیدا می‌کند و از همان زمان مبارزاتش بر علیه سرمایه شروع شده است. این حرکات (تعارضات) خودبه خودی برخاسته از این شرایط دستاوردهایی هم در زمینه تشکل طبقه کارگر داشته است. و این مبارزات از بدو شروع اقتصادی سیاسی بوده است. اما این مبارزات به خاطر عدم آگاهی از کنه و ذات این شیوه تولید ارزش اضافی علاوه بر دستاوردها اشتباهاتی هم داشته است، به عنوان مثال مبارزات کارگران در ابتدا استقرار سرمایه‌داری در اروپا به جای اینکه مناسبات طبقاتی مورد حمله قرار دهد، ابزار تولید که محصول کار خود کارگران بود هدف قرار میدادند. نقش پیشروان طبقه کارگر در برخورد آگاهانه کارگران علیه سرمایه میتواند موثر باشد. اینجاست که نقش کارگران فعال و پیشرو با اهمیت است.

اما مبارزات کارگران در عسلویه: به حق میتوان گفت کار در عسلویه کار اجباری خود خواسته‌ای است که مناسبات سرمایه‌داری به کارگران تحمیل کرده است که کارگران به پای خود به این اردوگاه روانه میشوند. اگر در دهه ۸۰ تقاضا برای نیروی کار زیاد بود و کارگران برای پیدا کردن کار بین یکی دو شرکت حق انتخاب کار با شرایط بهتر را داشتند. امروزه به خاطر افزایش تعداد کارگران بیکار و اصولاً کم شدن کار در منطقه با وجودی که مایحتاج زندگی یعنی دستمزدی که به کارگر و همسرش داده میشود، که زندگی خود، همسر و فرزندانشان را تأمین کند افزایش یافته است. مزد کارگران در عسلویه پایین آمده است. به این خاطر است که میگوییم اردوگاه کار اجباری خود خواسته هر کارگری به این شرایط حقوقی اعتراض کند اخراج است. خیلی جالب است بدانید کارگر معترض را هیچ شرکتی کار نمیدهد. نام او در لیست سیاه Black list قرار میگیرد. چون کارگری که تصفیه حساب میکند، بایستی رضایت نامه از شرکت قبلی داشته باشد، و کارگری این رضایت نامه را نداشته در هیچکدام از شرکتهای پیمان کاری (من پاور) به او کار نمیدهند.

علیرغم این جو حاکم بر جنبش کارگری و استبدادی که سرمایه داران در منطقه به وجود آورده‌اند که بیشترین ارزش اضافی را از نیروی کار ارزان کسب کنند. اما ضرورت زندگی و کار در جامعه سرمایه داری مبارزات کارگری نیز جبری است و تا زمانی که سرمایه داری وجود دارد این وضعیت نیز وجود خواهد داشت. اما این مبارزات زمانی که هدفدار و توأم با آگاهی و متشکل باشد کارا خواهند بود. عسلویه نیز از این شرایط کار و سرمایه مستثنی نیست. اینجا نیز با وجود شرایط ضد کارگری ضد انسانی مبارزه نیز وجود دارد. کارگران روزی نیست که کارگران به صورت آرام تعرضی برای افزایش دستمزد بهتر شدن شرایط کار – برای گرفتن دستمزدهای عقب افتاده، برای گرفتن مرخصی – برای گرفتن وسایل ایمنی اعتراض نکنند، اما در این مواقع عوامل سرمایه به کمک شرکت پیمان کار می‌آیند.

اعتراضات کارگران در واحدهایی که تعدادشان بین ۲۰ تا ۱۰۰ کارگر است بارها برای بعضی خواستهها و مطالبات خود اعتراض میکنند، همیشگی است. اما اعتراضات گسترده کارگری در سایت ۵-۶-۹-۱۰ بارها به وقوع پیوسته است. که دو نمونه از این اعتصابات کارگری را که سرتاسر سایت را فرا گرفته است به آنها اشاره میکنیم. یکی از اعتصابات کارگری که سال ۸۶ به وقوع پیوست، که این اعتصاب به خاطر شرایط کاری بود که ۶ هزار کارگر بطور دسته جمعی پیاده از سرتاسر سایت به درب خروجی سایت آمدند که در بین راه بسیاری از ابزار کار را از کار انداختند در درب خروجی سوار بر سرویسها به کمپ رفتند. کارگران اعتصابی متعلق به چند شرکت پیمانی (من پاور) بود. شرکتها که اعتصاب کارگران را جدی دیدند به خواست کارگران

تمکین کردند. و یک روز به کارگران با حقوق مرخصی دادند. روشن است یک روز مرخصی دادن به کارگران برای سر و سامان دادن وضعیت سایت که در روز اعتصاب آشفته شده بود. این یکی از اعتصابات موفقیت آمیز کارگری بود که به بعضی از مطالبات خود دست یافتند.

اعتصاب دوم فروردین ماه سایت نه و ده در سال ۸۷ بود که کارگران به خاطر کار در بعد از ظهر روز جمعه ۲ فروردین به وقوع پیوست، که به اخراج بیش از ده نفر از کارگران انجامید. موضوع اعتصاب روز عید (پنجشنبه) بود. موقع سال تحویل سر کار بودیم با بوق چرتقیلهها ماشینهای سبک و سنگین سال تحویل اعلام شد و کارگران از این طریق متوجه شروع سال جدید شدند. مدیریت شرکت IGC بعد از ظهر روز پنجشنبه را تعطیل اعلام کرد و به جای آن از کارگران خواست روز جمعه که همیشه بعد از ظهر تعطیل بود به این خاطر بعد از ظهر هر هم به جای بعد از ظهر پنجشنبه سر کار بیایند. کارگران پیش از ظهر روز جمعه را کار کردند بعد از نهار کارگران از برگشت به سایت خودداری کردند و با شکستن شیشه اتوبوسها اعتراض خود را اعلام کردند. حراست سایت به دستور مدیرعامل از برخورد با کارگران خودداری کرد و برای جلوگیری از تداوم اعتصاب با خواست کارگران موافقت کرد. لذا کارگران به کمپ برگشتند. هر چند مدیران سایت در قبال اعتراض کارگران کوتاه آمدند. از فردای آن روز شروع به اخراج کارگران کردند.

علت اعتصاب خواست و مطالبات فراوان کارگری بود که از ماهها قبل با نوشتن شعار به در و دیوار و اعتراضها دسته‌های پنج نفری، ده نفری و غیره نسبت به کمی دستمزد، وضعیت غذا، اضافه کاریها همه و همه باعث شده بود که کارگران در آن روز دست از کار بکشند. اما در ماههای اردیبهشت هم اعتراضات نه به وسعت دوم فروردین که تقریباً کلیه کارگران (۲۰۰۰ نفری) در IGC و چند شرکت کوچک در آن شرکت داشتند نبود. ولی واحدهای مختلف نسبت به دستمزدهای خود معترض بودند و بارها دست از کار کشیدند در مواردی با گرفتن بخشی از خواستههای خود به سر کار بازگشتند و مواردی هم با اخراج کارگران اعتصابی خاتمه یافت جنبش کارگری یک جریان دائمی است و در هر دوره‌ای به شکلی بروز میکنند. جنبش کارگری یک حرکت عینی است و منشا آن هم رابطه متضاد و برخاسته از رابطه کار و سرمایه است. اما جنبش کارگری همه با یک شکل و شمایل و گستردگی یکسان ظاهر نمیشوند. یکی متشکل و سازماندهی شده است. دیگری ممکن است خیلی توفنده و سیل آسا ظاهر شوند و زود هم خاموش شوند. اعتصابها و اعتراضهای عسلویه از نوع دوم است، چرایی آن در این است که کنترل شدید کارگران، جو مستبدانه حاکم بر کارگاه ها و سایتها. ساعت بالای کار روزانه شدت بالای کار و از همه مهمتر خواستها و مطالبات انباشت شده و عدم تحقق آنها عدم شناخت کافی کارگران از یکدیگر. (کارگران به خاطر کمی دستمزد هر روز درصدد است کار جدیدی در جای دیگر با دستمزد و شرایط بهتری پیدا کند) با یکدیگر همه و همه باعث میشود اعتصابهای کارگری در این منطقه سیل آسا و توفنده سرکش خود به خودی باشند. اعتصاب سایت ۶ و ۵ در عرض تقریباً دو ساعت هر ماشین و ابزاری سر راه کارگران معترض بود؛ در هم شکسته شد. هر چند شرکت پیمانی (من پاور) در برابر این خشم عظیم کارگران که از خواست و مطالبات انباشت شده کارگران نشأت گرفته بود عقب نشینی کرد. اما جنبش کارگری سازماندهی شده نبود. از پیش برای جلو بردن خواست و مطالبات خود برنامه نداشتند. خشم خود را سیل آسا بروز داد و به نوعی خود را تخلیه کردند. هر کدام از این جنبشهای اعتراضی در عسلویه اگر سازمان یافته و متشکل بودند، میتوانستند صاحبان سرمایه را به زانو درآورند. کارگران شرکت رامشیر بیش از دو سال است برای گرفتن حقوق معوقه مبارزه میکند اما کمتر با نگرش تشکل یابی به میدان آمده‌اند. منطقه ای که به صحرايي برهوت می مانست اکنون به منطقه ای صنعتی تبدیل شده است. اما اینانی که خود خالق همه این سرمایه عظیم بودند چرا نباید تا زمانی که کار برایشان فراهم شود از بیمه بیکاری برخوردار باشند. ما کارگران خود باید چاره کار خود کنیم. اگر بخواهیم، با تمام جو رعب و وحشت ایجاد شده می توانیم با اتحاد و همبستگی دولت و سرمایه داران را وادار کنیم بخش کوچکی از ثروتی که خود و هم طبقه ای هایمان تولید کرده ایم برای زمان بیکاری تا زمان رفتن سر کار حقوق دریافت کنیم. هم اکنون بسیاری از همکاران ما با وجود اجاره نشین بودن بیکار هستند و با وجود پراکنده بودن

کارگران پروژه ای می توانیم همکارانمان را در شهرهایی چون مسجد سلیمان، ایذه، اهواز و ... پیدا کنیم و با اتحاد و همبستگی با هم از دولت بخواهیم که تا زمان رفتن به سر کار بیمه بیکاری کلیه کارگران پرداخت شود.

جمعی از کارگران فعال عسلویه

منبع سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

<http://komitteyehamahangi.com>